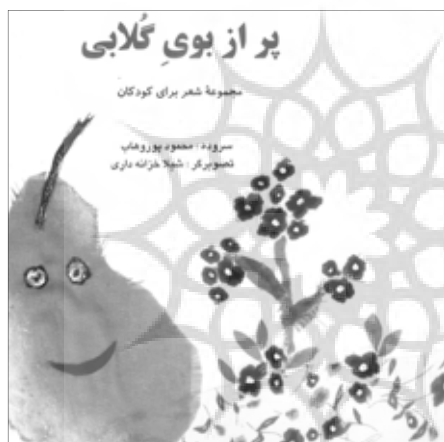


# بوی گلابی، عطر خیار

نیره سادات هاشمی



عنوان کتاب: پر از بوی گلابی  
 سروده: محمود پوروهاب  
 تصویرگر: شیلا خزانه‌داری  
 ناشر: به نشر ( انتشارات  
 آستان قدس رضوی )  
 نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶  
 شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه  
 تعداد صفحات: ۲۲ صفحه  
 بها: ۶۰۰ تومان

را دامن می‌زند:  
 از دامن یک صحرا<sup>۱</sup>  
 یک دسته علف چیدم  
 در واقع، به نظر می‌رسد «یک» قبل از واژه «صحرا»،  
 به جای «یای» نکره آمده است و اصلاً جانشینی مناسبی  
 نیست؛ چون مفهوم را به گونه‌ای دیگر به ذهن متبادر  
 می‌کند.  
 در بند آخر چارپاره، شاعر مفهومی را به کار می‌برد  
 که اصلاً برای مخاطب گروه سنی «الف» و «ب»،  
 خصوصاً گروه سنی «الف»، قابل بسط و دریافت نیست.  
 شاعر فراموش می‌کند مخاطب او کودکی است که هرگز  
 دریافت روشنی از کلمه «صفا» نخواهد داشت و ضعف او  
 در پرداختن تصویر، این مصرع را به یک مصرع کلیشه‌ای  
 و بی‌مسما، برای او تبدیل خواهد کرد:  
 چشمان قشنگش را<sup>۲</sup>  
 شادی و صفا پر کرد

پر از بوی گلابی، مجموعه ده چارپاره برای کودکان  
 است که در موضوع‌های مختلف برای گروه سنی «الف»  
 و «ب» (چنان‌که در شناسنامه کتاب آمده)، شروع شده  
 است.  
 «هدیه صحرا» اولین شعر این مجموعه است. شاعر  
 در این شعر، می‌کوشد یک اتفاق کاملاً معمولی را که  
 شاید بارها برای کودکان بسیاری به وقوع پیوسته است،  
 به فضای ساده و صمیمی شعر بکشد و از آن تجربه،  
 تصویری ماندنی در ذهن کودک ثبت کند. در این چارپاره،  
 بیش‌تر از آن‌که ما شاهد اوج‌گیری تخیل و درخشش  
 تصاویر تازه باشیم، فضایی کاملاً حسی و عاطفی جریان  
 دارد. در واقع شاعر می‌خواهد با اشاره به یک تجربه شیرین  
 و عادی کودکانه، توجه و حس مسئولیت کودک را نسبت  
 به محیط زیست اطرافش برانگیزد، اما در ساختار بیانی این  
 چارپاره چندان موفق نیست. تکرار صفت شمارشی «یک»  
 در بیت اول، به‌جا و مناسب نیست و گونه‌ای حشو معنایی



شعر «نقاشی» مضمونی شبیه شعر «هدیه صحرا» دارد، اما شاعر در این شعر، از تخیل خویش در خلق تصاویر زنده و ملموس و در عین حال جذاب برای کودک بهره گرفته است. کودکان با نقاشی‌های خود زندگی می‌کنند و شخصیت‌هایشان موجوداتی زنده و باورپذیر برای آنها هستند. شاعر از این نکته به خوبی در شعر «نقاشی» استفاده کرده و توجه او به نشانه‌ها و ویژگی‌های طبیعی، پایان‌بندی خوبی- از لحاظ مفهومی- به اثر بخشیده است:

با عرش کرد  
از من تشکر  
نقاشی‌ام شد  
از تازگی پُر<sup>۳</sup>

شاعر «تازگی» را در مصرع آخر، در مقابل صدای الاغ در مصرع اول این بند آورده و این صدایی است که غالباً از علفزارها و ... سرسبز به گوش می‌رسد و خاطره آن در ذهن مخاطب، همواره یادآور تازگی و سرسبزی است. هر چند این از آن دست نکاتی است که برای بزرگ‌ترها جالب به نظر می‌رسد. تناسب خوبی در این بند ایجاد کرده است.

شعر «نقاشی»، علی‌رغم موفقیت در مضمون و تخیل، گرفتار ضعف تألیف است. شاعر دو کلمه با بار محتوایی نزدیک به هم را به دنبال هم در بیت دوم آورده است:

آن را ولی حیفا!  
لاغر کشیدم<sup>۴</sup>

آمدن «ولی» و «حیفا» به دنبال هم زیبا نیست. در بند دوم این چارپاره، شاعر حرف اضافه «بر» را به جای «به» به کار برده است که متناسب نیست و حشو در به‌کارگیری از ضمائر را در بند سوم می‌بینیم:

دلواپسم من  
خیلی برایت<sup>۵</sup>

پس از ضمیر متصل «م»، ضمیر منفصل «من» آمده است.

«کرم خاکی» سوژه‌ای است که همیشه مورد توجه بچه‌ها بوده و هست و کم‌تر کودکی را می‌توان یافت که هنگام بازی با خاک- در باغچه و...- به وجود این موجود بی‌توجه باشد. شاعر در این مجموعه، این موجود جالب توجه کودکان را دستمایه آفرینش سومین اثر خود کرده است.

این چارپاره از نظر ساختاری، چارپاره موفقی است. شروع آن از هارمونی خوبی برخوردار است. ضمن این که در این فضا، به‌کارگیری واژه «فتر»، علی‌رغم مفهوم مصنوعی آن که «اسم ابزار» است، تشبیهی موفق و به‌جاست که در عین سادگی، خوش‌نشسته است:

در باغچه می‌رفت

آهسته آهسته  
مثل فنر می‌شد  
هی باز و هی بسته<sup>۶</sup>

تکرارهای او در این بند و در بندهای بعدی به‌جا و مناسب است و بسیار به مخاطب در دریافت بهتر و عمیق‌تر مفهوم مورد نظرش کمک می‌کند. استفاده به‌جا و مناسب از همین عنصر تکرار در بند بعدی، ضمن بیان عمق غمگینی کرم مادر، گروه معنایی خوبی با کلمات «دلواپس» و «تنها» تشکیل داده است و بار عاطفی مضمون مورد نظرش را به خوبی منتقل می‌کند. عنصر تکرار در این چارپاره، واج‌آرایی صامت «ک» را در این بیت رقم زده است:

یک کرم لاغر دید  
یک کرم کوچولو<sup>۷</sup>

در پایان‌بندی این اثر، بار مفهومی مثبتی پنهان است که گرچه مستقیم نیست، اثرش را ناخودآگاه بر ذهن مخاطب خواهد گذاشت.

با دیدنش پَر زد  
انگار غم‌هایش  
آن کرم کوچک بود  
فرزند زیبایش<sup>۸</sup>

کرم اگرچه برای کودکان موجودی جالب توجه است،

**کودکان با نقاشی‌های خود زندگی می‌کنند و شخصیت‌هایشان موجوداتی زنده و باورپذیر برای آنها هستند. شاعر از این نکته به خوبی در شعر «نقاشی» استفاده کرده و توجه او به نشانه‌ها و ویژگی‌های طبیعی، پایان‌بندی خوبی - از لحاظ مفهومی - به اثر بخشیده است.**

کم‌کم این موجود مثل خیلی از مفاهیم ساده و بی‌آلایشی کودکانه، هنگام بزرگسالی در ذهن او رنگ می‌بازد و سیری نزولی را از نظر شأن در مفهوم طی می‌کند. «کرم» خارج از حیطه ادبیات کودک، در ادبیات بزرگسال ما همیشه مفهومی منفی به دنبال دارد و شاید به این دلیل است که نگاه به این موجود فقط در حیطه کودکی پاک و بی‌آلایش است و کم‌کم جنبه طنز و بُعد منفی پیدا می‌کند. در واقع ما هرگز سعی نکرده‌ایم این موجود را با جنبه‌های ارزشمند و مفیدش بنگریم، ولی شاعر این مجموعه، خواسته یا ناخواسته و با استفاده از کلماتی که بار مفهومی مثبتی دارند، این تلنگر را به ذهن مخاطب می‌زند که می‌توان با وجود کرم بودن، زیبا بود و یا همه مادران دل‌شان با دیدن کودکان‌شان پیر می‌گیرد و به قول سهراب سپهری:

و نخواهیم مگس از سر انگشت طبیعت بپرَد  
و نخواهیم پلنگ از درِ خلقت برود بیرون  
و بدانیم اگر کرم نبود، زندگی چیزی کم داشت

و اگر خنج نبود، لطمه می‌خورد به قانون درخت...  
«وزنه‌بردار» نگاهی ساده، ولی جالب به مخاطبش ارایه می‌دهد. زبان و مفهوم اثر ساده است. از آن دست مضامین

که هر روز در برابر چشم ما اتفاق می‌افتد، اما این که شاعر بدان توجه کرده و آن را دستمایه آموزش غیر مستقیم مخاطبش قرار داده، جالب است.

در بند دوم این چارپاره، شاهد تولد ایهام زیبایی در مصرع‌های دوم این بند هستیم:

وزنه او چیست؟ دانه  
خرده‌ای نان، تکه‌ای قند  
با تمام رنج و زحمت  
می‌زند هر بار لبخند<sup>۱</sup>

«تکه‌ای قند» با «هر بار لبخند»، اما علی‌رغم کاربرد زیبای این ایهام، چون فضای اثر به فضای رئال نزدیک شده است، به عکس زیبایی که برای مخاطب بزرگسال دارد، برای کودک سؤال‌برانگیز خواهد بود؛ چون هرگز تصویری از لبخند مورچه ندارد و تصویر این مصرع برای مخاطب کتاب دست‌نیافتنی است.

«فدُدا خانم» چارپاره عاشقانه این مجموعه است. شاعر در این اثر، عشق را با بیانی ساده و صمیمی و در عین حال مناسب، به گروه سنی مخاطبش عرضه می‌کند. مفهوم عشق، مفهومی وسیع و گسترده است و سنگ بنای آفرینش شخصیت انسان، بی‌عشق آدمی نمی‌تواند زندگی کند و بدون آموزش و هدایت صحیح، نمی‌تواند به درستی عاشق باشد. در واقع پایه‌های معرفت عاشقانه در کودکی شکل می‌گیرد. همان‌گونه که «کودکان روند آموختن را از محبت می‌آغازند، کودک به سبب این‌که مادر خود را دوست دارد، هر چه را از طریق وی به آسانی می‌آموزد و در حقیقت عشق در روان او، آموختن را تسهیل می‌کند.<sup>۱۱</sup> ضمن این‌که «عشق یکی از راه‌کارهای مؤثر در رام کردن و مهار سرکشی‌های نوجوانی و جوانی است»<sup>۱۲</sup> و ما امروزه در جامعه‌مان، با خلاء بیان مناسب عشق برای کودکان و نوجوانان مواجهیم. آثاری از این دست، شروع خوبی برای این حرکت است؛ حرکتی که می‌تواند زبان مناسب بیان عشق برای کودکان را بیافریند.

«درخت کوچک توت» هم از آثار زیبای این کتاب است. با وجود این، درگیر مفاهیمی است که خارج از حوزه



دریافت مخاطب این گروه سنی است. خوشبختانه شاعر یکی از آن کلمات را در این چارپاره توضیح می‌دهد - که به‌جا و مناسب است - ولی توضیح کلماتی مثل «صفا» و «دلنواز» را به فراموشی می‌سپارد و کودک دریافت روشنی از این کلمات نخواهد داشت. ضمن این‌که تعبیر «سفره کوچک تو / همیشه باز است»<sup>۱۳</sup>، از آن دست تعبیری است که در محدوده و فرهنگ گفتاری بزرگسالان معنی می‌دهد و کاربرد آن به حوزه تجربیات کودک نزدیک نیست. البته بنده قصد ندارم با این نقد، توانایی شاعر را در این شعر زیر سؤال ببرم؛ چون خارج از بحث ارتباط این اثر با مخاطب کتاب، شاعر در پردازش و ارتباط محور عمودی و افقی اثرش بسیار خوب عمل کرده است.

شاعر در شعر «پُر از بوی گلابی»، طبیعت را به مفاهیم اجتماعی پیوند می‌زند و حضور فقر را به گونه‌ای برای مخاطبش نقل می‌کند. فقر اگرچه مفهوم وسیعی دارد، بسیار مورد توجه و حساسیت کودکان این نسل است. عمده مشکل شاعر، در بیان این اثر و ساختار آن است.

او در این اثر، به گونه‌ای دچار تعقید لفظی شده است که در بسیاری موارد، ساختار زبانی ابتر به نظر می‌رسد. «پیچیدگی لفظی وقتی در کلام اتفاق می‌افتد که واژگان در جمله، به دلیل «ضعف تألیف»، چنان پس و پیش می‌شوند که برای رفع ابهام و درک معنی آن‌ها، مخاطب مجبور شود آن را جابه‌جا کند و در جای خود بگذارد.<sup>۱۴</sup>

بین این صندلی هست

برای ما مناسب

ولی پولی نداریم

پدر جان هست کاسب<sup>۱۵</sup>

ضمن این‌که «کاسب بودن» نمی‌تواند دلیل بی‌پولی باشد. کاسب در فرهنگ ما به کسی گفته می‌شود که بتواند از راه کسب و کار، پول و مایحتاج خود را تأمین کند. پس هر کس کاسب است، صاحب پول هم خواهد بود. متأسفانه، بند چهارم این چارپاره نیز این ضعف تألیف را دارد و زیباتر بود اگر شاعر در بند سوم، جای بو و عطر را عوض می‌کرد:

«همیشه گاری او

پُر از سیب و انار است

پُر از بوی گلابی

پُر از عطر خیار است»<sup>۱۶</sup>

چون غالباً گلابی را معطر و خیار را خوش‌بو می‌نامند. چارپاره «مانند پرنده»، در موسیقی دچار نقص است. در بسیاری موارد، برای رعایت وزن صحیح، باید برخی حروف کلمات را بُریده بُریده و یا با مکث خواند. این مشکل، چارپاره را شبیه یک خیابان پر از چاله و دست‌انداز کرده است و نمی‌گذارد مخاطب از مفهوم اثر لذت ببرد که سرانجام، بر حذف آن از چشم خواننده منجر می‌شود:

## توضیح کلماتی مثل

«صفا» و «دلنواز»

را به فراموشی

می‌سپارد و کودک

دریافت روشنی

از این کلمات

نخواهد داشت.

ضمن این‌که تعبیر

«سفره کوچک تو /

همیشه باز است»،

از آن دست

تعبیری است که

در محدوده و

فرهنگ گفتاری

بزرگسالان

معنی می‌دهد و

کاربرد آن

به حوزه

تجربیات کودک

نزدیک نیست.



یک گل زده- ام من / آمد طَر فم زود / به  
به! چه گُ لی بود  
با پا ... س با لُن دَم / نادر به ها... و رفت / شو...  
تش به خَا طَر رفت ...

«گنج مامان» هم از آن دست چارپاره‌های ساده و صمیمی و بیان آن، برای این گروه سنی بسیار به جا و مناسب است.

شاعر نگاه جالبی دارد و یک اتفاق معمولی را که در زندگی خیلی از بچه‌ها در این سن و سال به وقوع می‌پیوندد- و غالباً با مشکلات ناشی از حسادت همراه است- به نحو ملموسی زیبا و تازه جلوه می‌دهد. قافیه‌های «رنج و گنج» هم، به جا و مناسب نشسته‌اند، اما نتواند از آن دست کلماتی است که برای این گروه سنی و این نسل قابل دریافت نیست و احتمالاً در خوانش آن هم مشکل خواهند داشت. «مثل یک سنجاقک»، آخرین شعر این کتاب است. در این چارپاره نیز ضعف تألیف‌هایی را می‌بینیم؛ مثل: حذف «درخت» از بند اول، به دلیل نگنجیدن در وزن:

یک نهال کوچک

پدر من آورد

در حیاط ما کاشت

پهلوی آلوزرد

هر چند به دلیل رواج این گونه جملات در زبان محاوره، می‌توان حذف فعل را از آن پذیرفت، نباید این نکته را از نظر دور داشت که چون زبان اثر محاوره نیست، یک‌دستی زبان اثر دچار مشکل خواهد شد.

شاعر در بیتی دیگر از این چارپاره، مخاطب و مرز دریافت‌های او را به فراموشی می‌سپرد و مفاهیم بزرگسالانه را برایش مطرح می‌کند:

دید آن را خورشید

بوسه بارانش کرد

کودک، مفهوم ظاهری بوسه‌باران خورشید را دریافت می‌کند، ولی هرگز در نمی‌یابد که منظور از بوسه‌ها (شعله‌های نور) چیست؟ و چه اهمیتی برای نهال خواهد داشت؟ خصوصاً با وجود آمدن بوسه در مفهوم ظاهری خودش در بیت دیگری از این چارپاره:

گاه یک سنجاقک

آمد او را بوسید

□□□

در مجموع شاعر در این کتاب، به فضاهای جالبی دست یافته است. او بسیاری از نکات ساده و طبیعی را دستمایه و موضوع آثارش قرار داده و به اتفاقات شعری

خوبی رسیده است. طبیعت را باید جان‌مايه این اثر دانست، هر چند ذهن او به مضامین فردی و اجتماعی بی‌توجه نبوده است و ضعف‌های ساختاری و محتوایی مجموعه نیز به سبب عجله و بی‌توجهی‌های فنی و محتوایی شکل گرفته‌اند و اگر ما در این اثر- در برخی موارد- با مشکل دوری اثر از درک و دریافت مخاطب مواجهیم، نباید فراموش کنیم که این نقطه ضعف، درد عمومی ادبیات کودک ماست. امروزه کم‌تر نویسنده و شاعر می‌توان یافت که به این مشکل دچار نباشد. متأسفانه اکثر نویسندگان و شاعران ما، فقط در پی آفرینش و به کارگیری مطالب و موضوع‌های تازه هستند؛ بدون این که حتی لحظه‌ای فکر کنند که آیا اصلاً مخاطب آن‌ها این مطالب را درک خواهد کرد یا خیر.

مجموعه «پُر از بوی گلابی» به جز چند مورد، تقریباً مجموعه‌ای به دور از این مشکل است، اما بسیاری از مجموعه‌هایی که به طور کامل و تنها با موضوع و ظاهر کودکانه- و در واقع برای بزرگسالان- به وجود آمده‌اند. شاید همین بی‌توجهی به مخاطب است که شکل‌گیری ضعف‌ها و تعقیدهای لفظی را در آثار کودکان و نوجوانان دامن می‌زند؛ چون وقتی پدیدآورنده ما فراموش می‌کند مخاطب او کودکی است که باید سنجیده و به دور از غلط با او سخن گفت- و نه هر چه دل تنگش می‌خواهد- لاجرم مخاطبان این آثار نیز باید با این سنگلاخ ناگزیر، برخورد کنند.

#### پی‌نوشت:

- ۱- چارپاره «هدیه صحرا»، مجموعه پُر از بوی گلابی، صفحه ۵
- ۲- همان
- ۳- چارپاره «نقاشی»، همان، ص ۶
- ۴- همان
- ۵- همان
- ۶- چارپاره «کرم خاکی»، همان، ص ۸
- ۷- همان، ص ۹
- ۸- همان
- ۹- منظومه صدای پای آب، سهراب سپهری
- ۱۰- چارپاره «وزنه‌بردار»، همان، ص ۱۱
- ۱۱- به نقل از مقاله عرفان رجعت به کودکی، دکتر قدمعلی سرامی، روشنان، دفتر پنجم، ص ۶۶
- ۱۲- به نقل از مقاله ادبیات عاشقانه، تخریب یا تأمین بهداشت روانی، عباس جهانگیریان، روشنان، دفتر پنجم، ص ۱۰۷
- ۱۳- چارپاره «درخت کوچک توت»، همان، ص ۱۵
- ۱۴- به نقل از کتاب از این باغ شرقی، پروین سلجقه، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ص ۵۱۵
- ۱۵- چارپاره «پُر از بوی گلابی»، ص ۱۶
- ۱۶- همان، ص ۱۶